

## چرا؟

# امسال آتشکده یادگاه نجات آذربایجان

## سردویی فروغ بود

امیرفیض- حقوقدان

تحقیق نشان میدهد که درسی سال اخیر، سردترین مراسم و یادگاه روز نجات آذربایجان امسال بود.

چشمها به سوی او بود که نوری فشاند که نورش شام غریبان را بیاراست، و انتظارایران پرستان راشعله های لرزان اندکی شمع خاموش ساخت.

### این سردی و بی علاقی چرا؟

همواره شناخت انسان ها برای انسان ها معضلی نامکشوف بوده است درگذشته های دورمعضل مزبور چندان که امروزها معضل است، معضل نبود و شاید هم لازم نبود، پسر را چون پدرمیشناختند، چنانکه سعدی هم بیتی دارد که گفته است

پسرگرندارد نشان ازپدر      توییگانه خوانش نخوانش پسر

امروز به سادگی گذشته نیست، همه فعالیت ها رابطه مستقیم با شناخت انسان است، وازآنجا که کارها وپیشرفت آن مدیون فکرواراده است نه قدرت بدنی، و قدرت بدنی خود مامورفکرواراده است، بطور طبیعی انسان ها به دنبال شناخت افراد از نظر عقیده و طرزفکروباورها و امثال آن هستند.

نشان داده شده که طریق معمول که تمسک به اظهارات اشخاص است طریق مطمئنی نیست و افراد نه آنچه دردل دارند برزبان گویند و آنچه برزبان رانند از دل آرند، بویژه که توصیه های اسلامی براین است که > آنچه دردل دارید برزبان نیاورید < که بالطبع آنچه از زبان مسلمانان میآید آن نیست که ریشه دردل و فکرواندیشه داشته باشد.

بهترین طریق وضابطه ای که تا امروز از مراتب اطمینان تا حدودی برخوردار است ملاحظات عمل و کردار افراد است.

عذر میاور نه حیل خواستند      این سخن است از تو عمل خواستند

### واما بعد

برای حل این معادله که سردی و خاموشی مراسم ۲۱ آذر امسال چرا و متاثر از چه عواملی است تصور میکنم که ملاحظه رویدادها بتواند به شناخت مسئله کمک کند.

### شورای به اصطلاح ملی وسالگرد نجات آذربایجان

گرایش انسانها بسوی چیزهای نو و تازه است. قدرت و کشش این گرایش در نزد ملت ما خیلی آشکار است.

بنجامین اولین سفیر آمریکا در ایران آنرا در کتابش بازتاب داد و در تمثیل ستاره و خورشید آنرا مطرح ساخت ضرب المثل عوامانه «نوکه آمد ببازار کهنه میشود دل آزار بازگوکننده همین روحیه است».

آشنائی به این روحیه مردم و بکارگیری آن است که غالباً برای انصراف توجهات مردم از رویداد خاصی رویداد های تازه ای خلق میشود تا مردم متوجه جریان جدید بشوند، نمونه بسیارزنده ای که میتوان ارانه داد همین طرح موضوع زندانیان سیاسی و مراسم شام غریبان بود که مقارن سالگرد ۲۱ آذر روز پرشکوه و افتخارساز نجات ایران برگزار شد.

ولی این رویدادهای مصنوعی و ساختگی، همانند غبارروی شیشه است که خود بخود رفع میشود. سعدی بیتی دارد که بازگو کننده سُرره در مقابل ناسُرره است.

سنگ بد گوهر اگر کاسه زرین شکند      قیمت سنگ نیفزاید و زر کم نشود

## جمع اضداد

**کسانی که منشور شورای باصطلاح ملی را امضا کرده اند در واقع با ماده ۱۱ آن موافقت و در کلامی ساده بامسئله تفویض اختیارات اجرایی و در نهایت با خود مختاری و تجزیه ایران بیعت کرده اند.** حالت حقوقی این بیعت محکوم کردن اقدامات نجات آذربایجان و ایجاد حقانیت برای فرقه دمکرات در جدائی آذربایجان و کردستان است، این تضاد که میتوان آنرا عدول از باورهای نسبت به اقدامات نجات آذربایجان یاد کرد، با امضای منشور شورای باصطلاح ملی، بصورت قرارکتبی و عهد در آمده و چون فاصله امضای منشور شورا با سالگرد مراسم ۲۱ آذر زمان کوتاهی است حکم وجدائی تضاد مانع است که اعتبار سابق به نجات آذربایجان حفظ گردد، خاصه که منشور و ماده ۱۱ آن که محکوم کردن اقدامات نجات آذربایجان را در برمیگیرد از سوی فرزند و همسر شاهنشاه ایران ناجی آذربایجان هم امضا شده است.

**همانطور که نمیتوان ار جگزار خدمات شاهنشاه بود و از شورش ۵۷ هم تجلیل کرد،** نمیشود هم از نجات آذربایجان تجلیل و مراسم برای آن برگزار کرد و هم منشور تجزیه کشور را امضا کرد. البته ممکن است کسانی بگویند بین تمامیت ارضی کشور و تجزیه کشور تفاوتی نیست و مقصود محتوای آن است ولی این سخن آنها همان بی وزنی رادارد که بین سلطنت و جمهوری قائل به تفاوت نیستند.

و از طرفی نظریه اینکه منشور تجزیه ایران سالها بعد از نجات آذربایجان تدوین و امضا شده است منشور در موقعیت ناسخ و منسوخ ایجاد حقانیت برای فرقه دمکرات و محکوم ساختن فعالیت های سرکوبی فرقه را بشارت میدهد و این سبب های عمده ای است که بزرگداشت ۲۱ آذر امسال تابناکی لازم و شایسته رانداشت.

زوایای مسئله مزبور چندان پیچیده نیست که فصل و فحص زیادی را لازم داشته باشد، اجازه فرمائید دو مورد مهمی که همین تحریر جای طرح آن است باتفاق مورد نقد قرارگیرد.

## دو مورد بسیار مهم و قابل توجه

دو موردی که اکنون مطرح میشود بسیار با اهمیت است، و گرچه جاداشت در بحثهای مزبور به منشور شورای باصطلاح ملی بمیان میآید ولی امروز هم چندان دیر نیست و این کوتاهی شاید قابل بخشش باشد.

## اختیارات محدود دولت و اختیارات نامحدود نقاط کشور

طرح موضوع کمی ظریف و حساس است بهمین جهت توجه و التفات بیشتری راممکن است لازم داشته باشد.

درمنشور شورا اختیارات اجرایی حکومت احصاء و نامیری و به ۵ مورد محدود و محصور گردیده است و مفهوم این احصاء اختیارات این است که خارج از ۵ مورد مزبور بقیه اختیارات اجرایی که ممکن است در آینده پیش بیاید و لازم گردد و هم اکنون از ۵ مورد ذکر شده خارج باشد، از اختیارات قدرت های اجرایی محلی است و چون نیازمندی های جوامع مرتبا در حال دگرگونی و افزایش است اختیارات حکومت بعلت محدود بودن و احصاء به ۵ مورد، نصیبی از آن نیازمندی ها نخواهد داشت و تمام آن امکانات در سهم قدرت های محلی خواهد بود.

ملاحظه میفرمائید چگونه منشور شورا از هم اکنون انقراض حکومت کشور را پیش بینی و بصورت منشور در آورده و با کسب بیعت، موجبات اجرایی آنرا فراهم ساخته است؟

فکر میکنم برای ایجاد رسوب این باور مثالی لازم گردد.

شما درخانه ای باتفاق دیگری شریک هستید و بموجب قراردادی قید میشود که حق شما بر آن خانه داشتن یک اطاق است، مفهوم حقوقی این قرارداد این است که بقیه حقوق خانه از جهت و هرباب متعلق به طرف دیگر است و میتواند خانه را خراب کند و یا بفروشد و یا ببخشد و غیره ولی با رعایت حق شما به آن یک اطاق.

وضعیت حقوقی منشور شورای باصطلاح ملی هم در رابطه با حقوق اجرایی دولت و حکومت با اقتدارات محلی همان وضع رادارد.

چگونه میتوان از ابراز این تاسف خود دار بود که متاسفانه شخص اعلیحضرت دفاع محدودیت و محصور بودن قدرت حکومت رابه ۵ مورد عهده دار میباشند؟

درحقوق اسلامی مشاغل و مکاسب حرام احصاء شده است به همین دلیل خرید و فروش مواد مخدر از نظر فقه اسلامی جرم نیست، چرا؟ زیرا حق اسلام نسبت به مشاغل احصاء شده است و در آن احصاء خرید و فروش مواد مخدر حرام نشده است. دقیقا رویه ای که منشور در احصاء قدرت دولت اختیار کرده است.

**تصور نفرمائید که تنظیم کنندگان منشور بر این مهم آگاهی نداشته اند، دقیقا مطلع بوده اند و برعکس ممکن است گروهی از امضا کنندگان منشور به این توطئه توجه نداشته اند،** چقدر کم پنداشتن مردم است که باز هم منشور صحبت از تمامیت ارضی کشور کرده است و کسانی هم آنرا باور میدارند.

مصطفی هجری که خود را رهبر حزب دمکرات کردستان ایران میداند در مصاحبه با روزنامه انگلیسی <پروسس آنلاین> گفت: <تازمانی که حقوق اقلیت ها تضمین نشود تمامیت ارضی ایران هم تضمینی نخواهد داشت> و در همان مصاحبه بود که او گفت: <در صورت قیام کردها نه تنها قیام باید مورد حمایت قرار گیرد که باید منطقه کردستان منطقه ممنوعه پرواز شناخته شود> درست درخواست کردهای تجزیه طلب عراق که درخواست آنها جامه عمل هم گرفت.

### مورد دوم – دستور جلسه مجلس موسسان

منشور شورای باصطلاح ملی بعنوان خواستهای مجلس موسسان معرفی شده است که عنوان درست آن دستور جلسه مجلس موسسان شناخته میشود.

حکم دستور جلسه این است که جلسه چه مربوط به مجلس موسسان و یا یک جلسه شرکت و شخصیت حقوقی باشد نمیتواند فارغ و بدور از موارد مشخص در دستور جلسه وارد رسیدگی بشود و یا چیزی و یا موضوعی را که در دستور جلسه قید نشده مطرح سازد.

بنابراین حد اقل، امضا کنندگان منشور شورا مقید به رعایت دستور جلسه میباشند که آن الزاما تصویت و رای به ماده ۱۱ منشور و مواد تابعه آن (احصاء اختیارات اجرایی دولت) است، و همچنین بدانند که میدانند مسئله تعیین نوع رژیم

کشور اساساً در صلاحیت مجلس موسسان نیست و در صلاحیت رفراندوم است (زیرا حضرات بارفراندوم رژیم کشور را تغییر داده اند!)

### نتیجه اینکه

منشور شورای باصطلاح ملی با قصد و نیت تجزیه کشور با ایجاد دولتی ضعیف و فرسوده و محل متنازع دائم، با قدرت های محلی بلحاظ تفسیر اختیارات اجرائی دولت، تنظیم شده است و صحبت از مجلس موسسان هم فقط برای اصالت دادن به همین خواست شیطانی است.

### نمایندگان این جنایت تاریخی

لازم نیست که منشور شورا نمایندگان این جنایت تاریخی را معرفی کند جنایتکار که جانی و یانمانده خود را معرفی نمیکند، انسان هشیار باید نمایندگان و دست اندرکاران جنایت را بشناسد و معرفی هم بکند.

بنابینم نگاهی، در تمامی کنفرانسها که بموازات تشکیل شورای باصطلاح ملی در کشورهای مختلف جهان تشکیل شده نام دو نفر در صدر همه شرکت کنندگان قرار دارد یکی آقای شهریار آهی است و دیگری عبدالله مهتدی است.

شهریار آهی به نمایندگی از سوی اعلیحضرت شهرت دارد، گرچه شهرت دلیل کافی نیست ولی سکوت در مقابل این شهرت و ادعای عنوان شده، خود میتواند از قرانن اصالت و درستی شهرت محسوب شود.

### واما آقای عبدالله مهتدی

مهتدی فرزند حاجی رحمان یکی از وزرای قاضی محمد است که استقلال کردستان را در سال ۲۴ اعلام و خود را رئیس جمهور آن معرفی کرد. مهتدی از مخالفین سلطنت و در سال ۱۳۲۸ با آزادی از زندان، حزب کومله را تشکیل داد و پس از تشکیل حزب کمونیست ایران به دبیر کلی آن رسید و نام کومله را به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران تغییر داد در سال ۲۰۰۰ از حزب کمونیست انشعاب کرد و این حزب یعنی کومله امروز قوی ترین حزب جدائی خواه کردستان است (ماخذ = خارجی است)

ملاحظه میفرمائید که یکطرف قضیه مهتدی است که مخالفت او با وحدت و تمامیت ارضی ایران و همکاری با کمونیست ها به سالهای قبل از فعالیت فرقه دمکرات آذربایجان و کردستان میرسد و امروز هم بزرگترین تشکیلات جدائی طلب را رهبری میکند.

طرف دیگر آهی است که بهر حال در موقعیتی از نمایندگی معرفی شده است که موکل او عملاً رهبر و شخص مشخص اپوزیسیون جمهوری اسلامی شناخته میگردد و بنابراین اعلام نوریزاده که تکذیب هم نشد (!) حرضا پهلوی باتفاق سران برجسته احزاب کرد در دفتر علیرضا نوریزاده ملاقاتهای محرمانه داشته اند (کیهان لندن) میتوان پیش داوری کرد که بین آهی و مهتدی توافقی است که در چهارچوب فدراتیو کردن کشور و تفویض قدرت اجرائی به (اقلیتها = بقولی تجزیه طلبها) در چهارچوب منشور است صورت گرفته و یا در جریان است.

البته کمتر کسی (غیر از نوریزاده) میداند که توافقیها و گفتگوها بر چه پایه و اساسی بوده است زیرا یکی از شرائط مبارزه اعلیحضرت «شفافیت» در مبارزه است.